

مسعود کاظمی، فرشته بهروزی نیک – دولت یازدهم در شرایطی فعالیت خود را آغاز کرد که پایه اصلی برنامه‌های خود را بر حل مناقشه هسته‌ای و رفع تحریم‌ها برای بهبود شرایط اقتص–ادی کشور بنا نهاد. این در حالی‌است که به زعم بسیاری از صاحب‌نظران، ایران درگیر برخی چالش‌ها در سیاست داخلی‌است که قبل از حل آن‌ها، به سختی خواهد توانست گام‌هایی را برای رفع مشکلات موجود در سیاست خارجی بردارد. به تعبیر دیگر چالش اصلی دولت یازدهم، نه مسائل اقتصادی، بلکه تنش‌هایی‌است که به دلیل برخی ابهامات در سیاست داخلی به وجود آمده‌است و بر مسائل اجتماعی و اقتصادی کشور نیز تاثیرگذار بوده‌است. این چالش‌ها و اینکه دولت چگونه می‌تواند راهی برای خلاصی از این وضعیت و رسیدن به وضعیت پایدار بیابد، بهانه‌ای شد تا با حضور دکتر محسن رزانی، اقتصاددانان و نویسنده کتاب «اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی ایران»، دکتر سعید معیدفر جامعه‌شناس و دکتر ناصر ایمنای، کارشناس مسائل سیاسی میزگردی در روزنامه قانون برگزار کنیم. در این میزگرد چالش‌های سیاست داخلی و خارجی، اقتصادی و اجتماعی دولت یازدهم مورد بررسی قرار گرفت و راهکارهایی نیز ارائه شد. حاصل این گفت‌وشنود کارشناسان در تحریریه «قانون» را می‌خوانید.

**آقای دکتر رزانی، بحث را با شما آغاز می‌کنیم، در یک نگاه کلی، عملکرد اقتصادی دولت یازدهم را تا کنون چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

رانی: در این چند ماه عملکرد تیم اقتصادی دولت یازدهم مطابق انتظارها بود. البته برای این‌کندی دلایل روشنی هم وجود دارد. به نظر می‌رسد دولت یازدهم باین تصور وارد عرصه شد که می‌تواند خرابی‌های هشت سال گذشته در اقتصاد و سیاست را در کم‌ترین زمان ممکن حل و فصل کند. اما در عمل با بهمنی از مشکلات مواجه شد که پیش از آن، تصور روشنی درباره عمق این مضللات نداشت. همین موجب شد تا دولت قدرت مایور دار در مسائل سیاسی و اقتصادی از دست بدهد و توان تصمیم‌گیری جدی از آن گرفته‌شود. ارزیابی من درباره وضعیت اقتصادی کشور در دولت‌های نهم و دهم، آنطور که به کرات هم اعلام کرده‌ام، این بود که کشور (به لحاظ اقتصادی) در حال فرو رفتن در یک سیاه چاله‌است و اتفاقاً دیوارهای این سیاه چاله به قدری لیز است که برای نجات از سقوط نمی‌توان به هیچ چیز چنگ زد. البته مسئولان دولت یازدهم در ابتدای این تصور نداشتند و بر این باور بودند که می‌توانند با استفاده از ابزار بودجه، ارز و سایر سیاست‌های پولی و مالی، جلوی این دولت را بگیرند. اما پس از مدتی به عمق مشکلات و بهتر است بگوییم عمق فاجعه می‌برسد. در همان زمان هم اعتقاد داشتم انتخابات ۲۴ خرداد قدری سرعت سقوط اقتصاد را در این سیاه چاله کاهش خواهد



**دکتر ایمنای: دولت روحانی نتوانست از امیدهای به وجود آمده در روحانی‌ها بیرون ببرد. شما در این باره چه ارزیابی می‌کنید؟**

ایمنای: به نظر من دولت روحانی نتوانست از امیدهای به وجود آمده در روحانی‌ها بیرون ببرد. این دولت در شرایطی ظهور کرد که پیش از آن، تصور روشنی درباره عمق این مضللات نداشت. همین موجب شد تا دولت قدرت مایور دار در مسائل سیاسی و اقتصادی از دست بدهد و توان تصمیم‌گیری جدی از آن گرفته‌شود. ارزیابی من درباره وضعیت اقتصادی کشور در دولت‌های نهم و دهم، آنطور که به کرات هم اعلام کرده‌ام، این بود که کشور (به لحاظ اقتصادی) در حال فرو رفتن در یک سیاه چاله‌است و اتفاقاً دیوارهای این سیاه چاله به قدری لیز است که برای نجات از سقوط نمی‌توان به هیچ چیز چنگ زد. البته مسئولان دولت یازدهم در ابتدای این تصور نداشتند و بر این باور بودند که می‌توانند با استفاده از ابزار بودجه، ارز و سایر سیاست‌های پولی و مالی، جلوی این دولت را بگیرند. اما پس از مدتی به عمق مشکلات و بهتر است بگوییم عمق فاجعه می‌برسد. در همان زمان هم اعتقاد داشتم انتخابات ۲۴ خرداد قدری سرعت سقوط اقتصاد را در این سیاه چاله کاهش خواهد

داد که همین اتفاق هم افتاد. اما بخشی از این بی‌عملی در اقتصاد طبیعی‌است، برای این که مسئولان دولت جدید با سونامی مشکلات مواجه شدند باز هم پیشتر تصوری از آن نداشتند. به باور من تا زمانی که دولت بر یک زورق شکسته در دنیای سیاست سوار شده‌است، نمی‌تواند از سونامی اقتصادی که در ایران به وجود آمده گذر کند. یعنی عبور از این بحران‌ها نیاز به نیروی عظیمی دارد که چنین نیرویی اکنون در اختیار دولت یازدهم نیست، در حالی که چنین نیرویی در اختیار دولت نهم و دهم بود.

**آقای توضیعی که شما از وضعیت فعلی داشتید، به نظر آن راهکار دولت برای خروج از بحرانی که به آن اشاره کردید، چیست؟**

رانی: تا زمانی که نظام سیاسی به عنوان یک کشتی غول پیکر، پشت زورق دولت قفل رنگین‌دوز آن حملات‌های جدی و همه‌جانبه‌نکنند، هیچ یک از مشکلات اقتصادی قابل حل نخواهد بود و سونامی اقتصادی دولت را نیز با خود خواهد برد تا این رخداد زمان چندانی نمانده‌است. در یک نامه ۲۵ صفحه‌ای که در اوایل شروع به کار دولت یازدهم برای آقای روحانی نوشته‌ام، به صراحت هشدار دادم که در ۳ ماه اول مردم صبر خواهند کرد و منتظر نشانه‌های تحقق وعده‌های دولت خواهند ماند. تا ۶ ماه دولت را ارزیابی خواهند کرد و بعد از ۶ ماه، اگر وعده‌ها سرانجام نرسد، در لاک تخریب خواهند رفت، به این صورت که اگر مردم از اقتصاد نشانه‌های مثبت نگردند و به توانایی دولت بی‌اعتماد شوند، به بازارهای مختلف از جمله ارز، سکه و طلا هجوم می‌آورند و موجب آشفته‌گی بیشتر اوضاع می‌شوند. بنابراین با توجه به این که اکنون سه‌ماه از شروع فعالیت دولت یازدهم گذشته‌است، دولت باید به این مسئله توجه جدی نشان دهد که بیشتر از ۶ ماه به وضعیتی که آن را توصیف کرده‌ام، فاصله ندارد. نکته قابل‌تأمل دیگری این است که مردم در این انتخابات نشان دادند که سطح انتظارات آنان از دولت به شدت افزایش یافته‌است. احساس من این است که نمی‌توانند ۶ ماه برای تحقق وعده‌های دولت تحمل کنند. دولت هم به تنهایی قادر نخواهد بود و وعده‌های خود را عملی سازد، به این علت که نه قدرت تمام و کمال در اختیار دولت‌است و نه بودجه کافی برای عبور از این بحران دارد. از ابزارهای مالیاتی که نمی‌تواند استفاده کند و در شرایط رکودی کمزوری نباید هم استفاده کرد. از سوی دیگر در یک اقتصاد تحریمی دولت از کجا می‌تواند در آمد کسب کند تا چاله‌های اقتصادی‌اش را پر کند؟ همچنین از سوی دولت گذشته هم تعهدات عظیمی بر جا گذاشته شده‌مانند این که برای هدفمندی یارانه‌ها سالانه حدود ۲ هزار میلیارد تومان کسری دارد، مسکن مهر به ۱۵۰ هزار میلیارد تومان سرمایه جدید نیاز دارد تا به سرانجام برسد و نظایر این‌ها. در این شرایط راهکار این است که کل نظام با تمام قدرت برای حمایت از دولت قفل کند و مهم‌تر از آنکه نظام باید برای رفع تحریم‌ها برنامه سیاست خارجی و داخلی به یک جمع بندی قاطع برسد. متأسفانه به شاهد هستیم که دست‌کم در فضای رسانه‌ای هیچ برنامه مشخصی در این باره وجود ندارد. به نظر من مجموعه قوای سیاسی کشور هنوز عزم واضحی برای حمایت از دولت حسن روحانی را برای عبور از بحران‌های سیاسی و اقتصادی در کشور ندارد و این اولین و بن‌برگ‌ترین چالش دولت یازدهم‌است. این که می‌گوییم نظام، یعنی هم حکومت و هم مردم من

بررسی چالش‌های روحانی در میزگرد «قانون» با حضور دکتر رزانی، معیدفر و ایمنای

# دولت یازدهم، دولت مستعجل



و شما هم جزئی از این نظام هستیم، چون پذیرفته‌ایم که در چارچوب قانون اساسی عمل کنیم. بنابراین این دولت روحانی به این دو بال قدرتمند (حکومت و جامعه) برای عبور از بحران‌های فعلی نیاز دارد. اما هم اکنون دولت مطمئن نیست، نظام، با تعریفی که از آن داشته‌ام، از او حمایت خواهد کرد یا خیر. خلاصه این که اگر امیدهای

- در روزهای انتخابات در جامعه ایجاد شد، از میان برود، دولت قادر به برداشتن قدم‌های کوچک و بزرگ در عرصه‌های مختلف نخواهد بود. بار دیگر شرایط کنونی را مرور می‌کنم. دولت اکنون، در شرایطی فعالیت می‌کند که بودجه ندارد، ذخایر ارزی بانک مرکزی تمام شده و کشور با تحریم‌های اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کند. این نکته را باید بیفزایم که نظام و دولت باید به این باور برسند که فرصتی که انتخابات ۲۴ خرداد در اختیار دولت قرار داد یک فرصت طلایی و

تاریخی‌است. این فرصت بر حسب تصادف و بر خلاف بسیاری از تحلیل‌ها به وجود آمده‌است. اما به نظر می‌رسد نظام سیاسی در کشور هنوز عزمی برای تبدیل این اتفاق به یک فرصت تاریخی ندارد. کما این که فرصت چندانی نیز برای مسئولان نظام سیاسی در کشور باقی نمانده‌است. همچنین باید توجه داشت که ذخایر نفت و انرژی و نیز ذخایر انسانی و ذخایر سرمایه اجتماعی که از گذشته داشتیم در این چند سال و روزهای گذشته‌است. حالا در این جامعه افسرده و انرژی از دست رفته، کم کم داریم با امواج تحولات داخلی و جهانی هم روبرو می‌شویم. ما اکنون به طور هم‌زمان در سه گذار تحولی قرار گرفته‌ایم. گذار اول گذار بین نسلی‌است، نسل قدیم در حال انقراض‌است و نسل جدید روی کار آمده‌است که نگاه و فکر و ایدئولوژی متفاوتی را نسبت به زندگی و سیاست دارد و این ایدئولوژی با ایدئولوژی نسل قدیم به هیچ عنوان سازگار نیست. این مسئله خود یک مسئله بحران‌زاست. گذار دوم گذار توسعه‌است؛ جامعه ما در از دوره پیش توسعه حرکت می‌کند به سمت مرحله توسعه که در همه کشورها این دوره گذار با آشوب‌های فراوانی همراه‌است. گذار سوم گذار در نظام اقتصاد سیاسی جهانی‌است. یعنی اقتصاد صنعتی دارد به اقتصاد فرارصنعتی تبدیل می‌شود که اولین مشخصه این گذار هم تحول در الگوی مصرف انرژی جهانی‌است. یعنی جهان دارد حرکت می‌کند به سوی الگوی تازه‌ای از انرژی؛ در کتاب «اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی ایران» اشاره کرده‌ام که اصلاً غرب مناقشه اتمی را طراحی کرده برای این که هر چه سریع‌تر قیمت نفت افزایش یابد و هر چه سریع‌تر مرحله گذار از انرژی‌های فسیلی به انرژی‌های نور خد، حال غیر از این سه گذاری که به آن اشاره کردم، گذار دیگری هم وجود دارد که کسی کمتر

واقع من تکنیکی در اقتصاد را هم از همین منظوم گرفتیم. تکنیکی در فناوری یعنی وارد عصری می‌شویم که تکنولوژی نه قابل کنترل‌است و نه قابل پیش بینی. بنابراین ما لان در یک پیچ تاریخی قرار داریم و نمی‌توانیم آن سوی این پیچ را پیش بینی کنیم. در این اوضاع و احوال، حالا اقتصاد و ساختار سیاسی هم درامی که متکی است بر درآمدهای نفتی و بدون پول نفت دوام نمی‌آورد. می‌تواند که قرار است تا سال ۲۰۲۰ آمریکا صادرکننده نفت باشد، یعنی از سال ۲۰۱۷، که واردات نفت آمریکا زده میلیون به دو سه میلیون بشکه کاهش می‌یابد، قیمت نفت روند نزولی به خود خواهد گرفت و احتمالاً در فاصله سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ قیمت نفت می‌رسد به حدود هزیننه تولید آن یعنی حدود ۲۵ دلار. در این سال‌ها اگر ایران ۲ میلیون بشکه نفت هم بفروشد باید پولش را بریزد در چاه‌های نفت. به زبان ساده‌تر ایران دیگر خواب در آمد نفتی بیش از ۲۰ میلیارد دلار را نیز نخواهد دید.

**منظور تان این است که ایران تحت هیچ شرایطی نتواند سیاست سه‌م خود را از بازارهای جهانی نفت پس بگیرد؟**

رانی: برای این کار دولت یک فرصت دو، سه ساله دارد، اگر توانست در این مدت با روش‌های عملی و جدی برای رفع تحریم‌ها اقدام کند، می‌تواند، در غیر این صورت خیر. اگر روش فعلی برای رفع تحریم‌ها را ادامه دهند، حل مناقشه اتمی ۱۰ سال طول خواهد کشید. اما اگر بتوانند تا پایان سال بر سر مسئله اتمی ایران با غرب به نتیجه برسند، ۲ سال طول خواهد کشید تا تحریم‌ها و آثار مخرب آن رفع شود و تنها ۲ سال نیز زمان نیاز است تا ایران بتواند بازارهای نفت از دست رفته خود را بار دیگر احیا کند. حال با وجود همه این بحران‌ها و قیامت‌های سیاسی که موجب شده‌است تا ما سرمایه‌های نمایان خود را نیز از دست بدهیم چه می‌توان کرد؟ بنابراین چالش اصلی دولت یازدهم اقتصاد نیست، یعنی اگر چه بحران اقتصادی بحران اصلی و بزرگی‌است اما پیش نیاز حل آن این است که ابتدا باید مسائل سیاسی داخلی و خارجی در ایران حل و فصل شود و این فقدان عزم از سوی نظام تدبیر برای حل و فصل این مسائل است که چالش اصلی دولت‌است.

**آقای دکتر ایمنای، دکتر رزانی به صراحت بیان کردند که چالش اصلی دولت یازدهم نه اقتصاد که بحران‌های سیاست داخلی و خارجی در کشور است، برای عبور از این چالش لازم است که نظام تمام قوا از دولت حمایت کرده و این دور یک راست‌قرار گیرند. تحلیل شما از وضعیت سیاست داخلی و خارجی در دولت یازدهم چیست؟**

ایمنای: مشخصاً در رابطه با عرصه سیاست داخلی و خارجی دولت آقای روحانی صحبت می‌کنم. به نظر من تاثیر گذاری که باید روی حرکت‌های نظام باشد از سوی دولت‌است. من مشکل را از طرف دولت می‌بینم، نه از نظام. ببینید، دولت آقای روحانی با امید بسیار زیادی از

سوی مردم سر کار آمد که این امید هنوز هم وجود دارد. اما دولت آقای روحانی نتوانست از امیدهای به وجود آمده در انتخابات بهره برداری کند و چون ناموفق عمل شد، بدون شک تاثیر این امید به سرعت از دست می‌رود. دولت‌های آقای روحانی و احمدی‌نژاد با یک مروج روی

- مردم تا ۶ ماه اگر به دولت بی اعتماد شوند در لاک تخریب خواهند رفت
- با شیوه فعلی حل مسئله اتمی با غرب ۱۰ سال هم به طول خواهد انجامید
- انتخابات ۲۴ خرداد ماه سرعت سقوط اقتصاد را کاهش داد
- در دنیای سیاست دولت سوار بر زورق شکسته‌است
- دولت به دیوال قدرتمند حکومت و جامعه نیازمند است
- تعهدات سنگینی از دولت قبلی بر دوش دولت جدید مانده‌است
- ذخایر انسانی و ذخایر سرمایه اجتماعی در این چند سال رو به افول گذاشته‌است
- مردم به قدری گرفتار مسائل روزمره هستند که کاری به دولت ندارند

کار آمدند. دولت‌های قبلی مانند دولت آقای سعید محمد خاتمی و احمدی‌نژاد توانستند به خوبی از موج احساسات مردم بهره برداری‌های لازم را انجام دهند. اما دولت یازدهم در این باره بسیار ضعیف عمل کرده‌است. من این دولت را دولت میهمی می‌نامم. به دلیل آنکه درباره ارتباط با مردم و فرهنگ‌سازی برای دولت خودش و نهاده‌ینه کردن این فرهنگ بسیار ضعیف عمل کرده‌است. این در حالی‌است که دولت‌های قبلی برای نهاده‌ینه کردن سیاست‌هایی که در زمان مبارزات انتخاباتی به جامعه القا کرده بودند، به سرعت فرهنگ سازی را شروع کرده و اتفاقاً در این باره نیز موفق بوده‌اند. از طرف دیگر استراتژی‌های این دولت در عرصه سیاست داخلی هنوز با گذشت سه‌ماه از فعالیت دولت مشخص نیست، دولت هنوز نظر مشخصی درباره فعالیت احزاب، انجمن‌های صنفی و بحث‌هایی از این قبیل ندارد. مشخص نیست درباره کلون‌های داخلی و چه وجود دارند، چه نظری دارد یا درباره شخصیت‌های سیاسی که به عقیده بسیاری مورد هتک قرار می‌گیرند، چه فکری می‌کند و چه موضعی دارد. در عرصه سیاست خارجی هم این دولت استراتژی نامشخصی دارد. مجموعه این ابهامات موجب می‌شود که نتوان از دولت یازدهم تصور روشنی داشت. در دولت‌های قبلی افراد شاخصی بودند که شاید



**دکتر معید فر: نخبگان باید در باره بحران‌ها حرف بزنند، جامعه باید حرف‌های نخبگان را باور کرده و پشت سر آن‌ها قرار گیرد و نهایتاً قدرت مردم بتواند به فعلیت برسد. اما به دلیل اتفاق‌هایی که از سال‌های گذشته رخ داده‌است، یکی از ارکان تحول در جامعه که طبقه متوسط‌است، به حاشیه رانده شد**

مسئولیت‌هم نداشتند و به دولت (بدون در نظر گرفتن نگاه ارزشی) پیمایز ایدئولوژیک می‌کردند. اما دولت حسن روحانی فاقد چنین افرادی‌است. این رویه ارتباط کاری آقای روحانی که توجیه را گذاشتند روی ایجاد آرامش در جامعه، قابل قبول نیست. لزوماً ایجاد آرامش در جامعه نباید در سکوت باشد. دولت باید مواضع مشخصی درباره مسائل کلان‌گون بگیرد و این مواضع را جسورانه اعلام کند. به نظر می‌رسد دولت جدید کسی را در مجموعه کارگزاران دولتی ندارد تا برای دولت قفل سازد. ظاهر آنها امیددولت تدبیر و امید برای امید آفرینی شده‌است حل مسئله هسته‌ای که این بسیار تصور اشتباهی‌است. برداشت من این است که دولت شاه کلید حل مسائل اقتصادی و سیاسی خودش را در تحریم‌های داند. البته تاثیر دارد، اما همان‌ها همین نیست. مسئله نیاخت است که تا بکیه بر این استراتژی یکی نوع فرصت سوزی در داخل کشور ایجاد می‌شود. چون معلوم نیست غرب در مسئله هسته‌ای چه تصمیمی دارد و قرار است حل مناقشه اتمی تا کی طول بکشد. در این شرایط اگر دولت نخواهد حل

- دولت احمدی‌نژاد سرخوچه‌ها بر سر کار بودند و در دولت روحانی ژنرال‌ها اساس مناقشه اتمی غرب با ایران با هدف افزایش قیمت نفت و تحول در مصرف انرژی در جهان بوده‌است
- برای حل مشکلات موجود نظام باید برای حل سیاست داخلی و خارجی، به جمع بندی قاطع برسد
- در فاصله سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ قیمت نفت می‌رسد به حدود ۲۵ دلار
- تنها امید دولت تدبیر و امید برای امید آفرینی، حل مسئله هسته‌ای‌است
- دولت نباید حل مشکلات اقتصادی را مشروط بر حل مسئله هسته‌ای بداند
- نمی‌توان تصویر روشنی از دولت یازدهم در مشکلات اقتصادی داخلی‌است
- چالش اصلی دولت یازدهم نه اقتصاد بلکه حل مشکلات سیاست داخلی‌است

مسائل سیاست داخلی و مشکلات اقتصادی را مشروط بر حل مسئله هسته‌ای بداند، فرصت‌های بسیار طلایی را از دست خواهد داد.

**آقای دکتر معید فر، به چالش‌های اقتصادی و سیاسی که دولت یازدهم با آن مواجه‌هست پرداختیم. با توجه به مشکلاتی که به آن اشاره شد، به نظر می‌رسد دور از انتظار نیست که موحی از بی‌اعتمادی و دل‌سردی در جامعه به دلیل عدم تحقق مطالبات اجتماعی افرادی که خرداد ۹۲، با اعلام صریح مطالبات**

اجتماعی خود پای صندوق‌های رای رفتند، ایجاد شود. تحلیل شما چیست؟

معیدفر: همانطور که آقای دکتر رزانی و دکتر ایمنای به درستی اشاره کردند، کشور در یک وضعیت کاملاً بحرانی قرار دارد. اما این که

مانبششیم و باز بحران صحبت کنیم، موجب رقع آن نخواهیم شد. چرا؟ زیرا نظام سیاسی ما چندان بحران را باور نخواهد کرد و بسیاری هم هست که این بحران از طرف چه گروهی مطرح می‌شود. دانشجویان یا افراد سیاسی، جناح‌های رقیب یا جناح‌های خودی. در حوزه‌های جامعه‌شناختی بحثی را داریم که یک ارتباطی میان نخبگان و جامعه (مردم) وجود دارد. نخبگان به تنهایی هیچ قدرتی ندارند، نخبگان باید درباره بحران‌ها حرف بزنند، جامعه باید حرف‌های نخبگان را باور کرده و پشت سر

آن‌ها قرار گیرد و نهایتاً قدرت مردم بتواند به فعلیت برسد. اما به دلیل اتفاق‌هایی که از سال‌های گذشته رخ داده‌است، یکی از ارکان تحول در جامعه که طبقه متوسط‌است، به حاشیه رانده شد. البته منظوم بخش موثر این طبقه‌است. همچنین بسیاری از روشنفکران و افراد موثر که می‌توانند موجب تغییر شوند، به دلیل ناامیدی از ایجاد هر گونه تغییر خود را کنار کشیده‌اند. شاید عده‌ای از دوستان این تصور را داشته باشند که در انتخابات ۲۴ خرداد بخش عظیمی از سرمایه‌های اجتماعی جدید به وجود آمد، اما باید بداند نکته ضعف بخش فرهنگ از آرای آقای روحانی نه از طبقه متوسط شهری، که این قدرت را دارند سیستم را به پاسخگویی بکشاند بود، بلکه از شهرهای کوچک و روستاها به دست آمد. در شهرهای بزرگ همچنان نگاه عقب کشیدن در بخش عمده طبقه متوسط وجود داشت. نکته همین است، می‌بینیم که در آستانه انتخابات هیچ جنبش اجتماعی شکل نگرفت و همه چیز کنترل شده بود. نه دانشگاه‌ها فعال بودند، نه مردم، در واقع جنبش اجتماعی که پشتوانه دولت باشد وجود نداشت. باید دید چه اتفاقی رخ داد که فضای بعد از انتخابات چنین شور و هیجانی مواجه شد. این به دلیل احساس فشار سیستم از منطاط اشتباهی‌است. برداشت من این است که دولت شاه بوده‌است. بنابراین فشارهای اقتصادی و روزمره و بالا بردن انتظارات در این مناطق که طی هشت سال گذشته با تزریق نقدینگی ایجاد شد، سیستم را به یک روبرواری کشاند. می‌رسیم به وضعیت جدید و دولتی که فاقد پایگاه‌های اجتماعی قدرتمند‌است. مردم به قدری گرفتار مسائل روزمره هستند که کاری به دولت ندارند، نه حمایت می‌کنند و نه اعتراض. بنابراین این شرایط هزینه اشتباهات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را برای دولت کاهش داده‌است و به همین دلیل دولت لزومی برای تغییر مسیر خود نمی‌بیند.

**دقیقاً همین ابهام ایجاد می‌شود که چطور دولت برای حل مسائل سیاست خارجی حاضر است امتیاز هر چند بی‌دستوارد بدهد اما در حوزه سیاست داخلی این کار را انجام نمی‌دهد و به مطالبات توجه‌است؟**

معیدفر: به دلیل این که همیشه فشارهای خارجی قوی بود و تحریم‌ها مطرح‌است، فشار خارجی قدرتمند‌است، اما در داخل نیروی اجتماعی که قوی باشد و بتواند دولت را به چالش بکشاند، وجود ندارد. بعد از انتخابات دو روز شور و نشاط و جشن‌های خیابانی ایجاد شد و حرف‌های امید دهه شصت، بعد از آن نیز آزادی تعدادی از زندانیان این شادی را می‌توانست تقویت کند. اما در زمان انتخاب وزرا شاهد بودیم که در مجلس چه اتفاقی افتاد و چند وزیر کلیدی در حوزه‌های سیاست داخلی رای ندارند یا از جناح رقیب بودند که چنین حجمه‌هایی ایجاد شد. از آن زمان به بعد از نشاط در لزوماً ایجاد آرامش در جامعه نباید در سکوت باشد. دولت باید مواضع مشخصی درباره مسائل کلان‌گون بگیرد و این مواضع را جسورانه اعلام کند. به نظر می‌رسد دولت جدید کسی را در مجموعه کارگزاران دولتی ندارد تا برای دولت قفل سازد. ظاهر آنها امیددولت تدبیر و امید برای امید آفرینی شده‌است حل مسئله هسته‌ای که این بسیار تصور اشتباهی‌است. برداشت من این است که دولت شاه کلید حل مسائل اقتصادی و سیاسی خودش را در تحریم‌های داند. البته تاثیر دارد، اما همان‌ها همین نیست. مسئله نیاخت است که تا بکیه بر این استراتژی یکی نوع فرصت سوزی در داخل کشور ایجاد می‌شود. چون معلوم نیست غرب در مسئله هسته‌ای چه تصمیمی دارد و قرار است حل مناقشه اتمی تا کی طول بکشد. در این شرایط اگر دولت نخواهد حل

**آقای دکتر رزانی، در این مرحله لازم است ببینیم در دولتی که گفته می‌شود نه از تباطؤ نزدیک با مردم دارد، نه استراتژی مشخص در سیاست داخلی و خارجی؛ چه پیامدهای اقتصادی می‌تواند ایجاد شود؟ با توجه و تاکید بر این که ایران هم اکنون با تحریم‌ها متعدد دست و پنجه نرم می‌کند و به همین دلیل خواسته یا ناخواسته در مسائل اقتصادی مشروط بر حل مسائل سیاسی‌است.**

رانی: من با آقای دکتر ایمنای موافق هستم که این دولت در تعیین و تعریف رابطه خودش با جامعه و با حکومت در یک وضعیت ابهام قرار گرفته‌است و نمی‌توان تصویر مشخصی از رویکردهای آن داشت. اعلام کرد شوک مثبت این دولت از اعتماد از سوی مردم مشخص نیست و همین ابهام‌های دیگری را به همراه داشته‌است، به نظر می‌رسد که تعریف این دولت از اعتدال «مدار» است. از تباطؤ تصمیم‌گیری این دولت با مردم بسیار ضعیف‌است. در دولت سعید محمد خاتمی گاهی مردم دوست داشتند فقط پای صحبت‌های رئیس جمهور بنشینند، حتی اگر دستاوردهای اقتصادی هم نداشت که داشت. این دولت هنوز

روشن نکرده‌است که چگونه می‌خواهد با مردم ارتباط بگیرد.

**منظور تان این است که آقای روحانی کار بی‌ماندارند؟**

رانی: کار بی‌زما در عالم سیاست چیز مخربی‌است و قرار نیست برای آقای روحانی کار بی‌زما ایجاد شود. سیاست مداران کافی‌است که بتوانند سرمایه سیاسی خود را به سرمایه نمادین تبدیل کنند. کاری که آقای سعید محمد خاتمی کرد که یک سرمایه سیاسی بود که به سرمایه نمادین تبدیل شد. این پتانسیل برای آقای روحانی هم وجود دارد که باید تا وقت

هست از آن استفاده کند. آقای روحانی باید خود را به عنوان یک سرمایه نمایان مطرح کند. در ایران حکومت از ساختار تقسیم قدرت از جنس حکومت نفوذهای نااهنگم است و این باعث می‌شود که یک نیت پایدار شکل نگیرد. اما برای این که جامعه بتواند یکپارچه شود، نیاز به نهادسازی و کار بلند مدت دارد و ساختار سیاسی باید اجازه بدهد این نهادها شکل بگیرند. در مورد دولت مشکلی که وجود دارد در چیدمانی‌است که صورت گرفته‌است. در همان نامه که قبل از معرفی وزرا به آقای روحانی نوشتم، مطرح کردم که مراقب باشید «ژنرال‌ها» را بر سر کار نگذارید و بیش از مشاور به آنان پست ندهید. ژنرال‌ها از فکر و مشاوره مستغنی هستند. تاکید کردم که اگر ژنرال‌ها بچینند، رابطه تان را با صاحب‌نظر و اندیشه خدشه دار می‌کنید. ۶۰ اقتصاددانی که ۵ سال مکرر برای آقای احمدی‌نژاد نامه می‌نوشتند، هیچ ارتباطی با دولت آقای روحانی ندارند. این یعنی محروم شدن دولت از یک ذخیره عظیم فکری. چرا این شکاف رخ داد؟ چون ژنرال‌هایی که ایدئولوژی و تئوری دارند در مسند هستند. هر یک از این ژنرال‌ها دارد، بخشی از دولت را به سمت خود می‌کشد. این یک خطر بسیار جدی برای دولت‌است! ما گفتیم در دولت آقای احمدی‌نژاد سرخوچه‌ها بر مسند بودند، شما مواظب باشید از آن طرف بام بچفتید و ژنرال‌ها را بر مسند امور نگذارید. این دولت باید از افراد جوان و تازه نفس اما مجرب استفاده می‌کرد و ژنرال‌ها را به عنوان مشاور می‌گذاشت. به نظر می‌رسد الان دولت تنها دارد مدارا می‌کند، هم با مردم و هم با قوای داخل و هم با خارج. دولت باید این را بداند ز زمانیکه مدت چهار سال‌ش تمام شد در آمده‌ای نفتی هم تمام شده‌است. شما دیگر نمی‌توانید روی نفت حساب کنید. دولت تنها چهار سال فرصت دارد که هر اصلاحی را که می‌خواهد انجام دهد، اما مگر جراحی و اصلاح بدون حمایت جامعه و بدون حمایت کامل نظام امکان پذیر‌است؟ دولت هنوز در تعیین تکلیف برای هدفمندی یارانه‌ها در مانده‌است.

**آقای دکتر ایمنای، پیر و صحبت‌های آقای دکتر معید فر که تاکید کردند به دلیل عدم جنبش‌های مردمی در پیگیری مطالبات سیاسی و اجتماعی دولت‌هز بنه‌ای در این باره نمی‌پردازد، به عقیده شما گشایش‌هایی در سیاست داخلی کشور تا چه اندازه می‌تواند در این باره تا تاثیر گذار باشد؟ برای مثال کشور هنوز متاثر از اشغال سفارت آمریکا در سی و چند سال گذشته‌است، اما این تاثیرات درباره وقایع سال ۸۸ که روشن شدن آن مطالبه بخشی از مردم‌است دیده نمی‌شود...**

ایمنای: شاهد هستیم که تحولات در عرصه سیاسی بسیار سریع رخ می‌دهد و می‌توانیم از این فاکتور استفاده کنیم تا در عرصه اقتصاد هم تاثیر بگذاریم. ما واقعیت‌هایی داریم که محصول گذشته‌است. ما دچار گسست‌های بزرگ اجتماعی هستیم. این گسست‌ها فقط اقتصادی نیست. دچار خودمردگی در بخش‌های ماوثر جامعه شده‌است. نظام روشنفکری و دانشگاه ما دچار رخوت شده‌اند. از سویی سرخوردگی‌های سیاسی از انتخابات گذشته در میان بخش‌هایی از جامعه به وجود آمد. برخی خودی تطبیق داند و برخی به بی‌تفاوتی رسیدند، اما بخش‌هایی در رخوت و رکود باقی ماندند. تمام این مشکلات جمع شد تا رسید به سال ۹۲ و یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری. با این همه مشکلات باید چه می‌کردیم. برای حل این مشکل ارتباط باید با نخبگان برقرار شود.

**آقای دکتر معید فر، بحث را با این سوال مشخص با شما ادامه می‌دهم که چطور می‌توان با تانکر به اجتماع و یادآوری پیگیری مطالباتشان از جمله روشن شدن وقایع ۸۸ هنرینه سوء مدیریت‌ها را برای دولت پایین آورد؟**



**دکتر رزانی: به باور من تا زمانی که دولت بریک زورق شکسته در دنیای سیاست سوار شده‌است، نمی‌تواند از سونامی اقتصادی ای که در ایران به وجود آمده گذر کند. یعنی عبور از این بحران هائناز به نیروی عظیمی دارد که چنین نیرویی اکنون در اختیار دولت یازدهم نیست، در حالی که چنین نیرویی در اختیار دولت نهم و دهم بود**

معیدفر: دکتر ایمنای اشاره کردند که احمدی‌نژاد در بسیاری از عرصه‌ها توانست قدرتمند عمل کند، اما پرسشی این است که دولت‌ها با نهم و دهم قدرت خود را از کجا کسب کردند؟ در واقع این دولت‌ها با سیاست‌های گسترش فساد، کلون‌های قدرت را می‌خرید. احمدی‌نژاد همیشه در هیأت دولت یک کیف همراه داشت که سر بزنگاه مدارک و اسنادی برای تخریب و سکوت دیگران روی می‌کرد. فکر نکنم آقای روحانی علاقه‌ای به این سیاست‌های گسترش فساد داشته باشد. دولت‌های پیش از دولت نهم و دهم و دولت آقای روحانی با بود و در فکر فساد نبودند. نباید روحانی را تشویق کنیم که به هر طریقی و با فساد قدرت بگیرد. باید این دولت را تشویق کنیم که با بازگشتن به دامن جامعه، از طریق اعتماد سازی، قدرت را به دست گیرد. دولت باید از نخبگان اجتماعی بخواند، به او مشاوره و امکان اعتمادسازی دهد. مردم باید باور کنند که اتفاق‌های خوبی دارد می‌افتد و دولت با مطالبات حتی بخشی از این مردم هم‌سواست. دولت ۶ ماه بیشتر برای اعتماد سازی فرصت ندارد. در غیر این صورت با دچار فساد خواهد شد. باین که با دست دادن پایگاه‌های مردمی خود که باعث می‌شود به کلون‌های قدرت نزدیک شود. البته حل و فصل این مشکلات بسیار سخت‌است و شاید از نگاه عده‌ای نیاز به معجزه دارد.

**آقای دکتر رزانی، سوال‌های بسیار از شما داریم، درباره وضعیت نرخ ارز، هدفمندی، این که ایران چطور می‌تواند از مزایای به وجود آمده در اقتصاد خارج شود، اما واقعیت آن است که از هر طرف به موضوع نگاه می‌کنیم، می‌بینیم رابطه مستقیمی بین حل مسائل سیاست داخلی و اقتصاد به وجود آمده‌است. لطال کنید در این باره بیشتر توضیح دهید؟**

رانی: در سال ۹۱ مطالبی درباره تکنیکس در اقتصاد، نوشتم و اشاره کردم که اقتصاد ایران به سمتی می‌رود که قابل کنترل و پیش بینی نیست و در این شرایط اگر نتوان تدابیر جدی برای اقتصاد داشت، حتماً به یک سیاه چاله خواهد رفت. وقتی که انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری انجام شد، اعلام کردم شوک مثبت انتخابات باعث شد که حرکت اقتصاد ایران به سمت سیاه چاله کند یا برای مدتی متوقف شود. اگر این شوک با دو شوک دیگر نیز همراه شود، اقتصاد ایران مسیر بازگشت را انتخاب خواهد کرد. آن دو شوک دیگری حل و فصل سریع مناقشه اتمی و دیگری حل و فصل سریع وقایع سال ۸۸ و آزادی زندانیان و شخصیت‌های سیاسی‌است. در مورد بسیاری از ایرانی‌ها که در هشت سال گذشته به دلایلی از کشور خارج شدند، حل و فصل مسائل سیاست داخلی می‌تواند، این‌ها را گشت و سرمایه‌گذاری آن‌ها در کشور رایز کند. اکنون در حدود ۱۰ هزار میلیارد دلار سرمایه ایرانیان در خارج از کشور‌است و اگر ۱۰ درصد از سرمایه هم برود، اگر دد، اقتصاد ایران را تکان خواهد داد. نفت که نداریم بفروشیم، ذخیره ارزی هم که نداریم، می‌خواهیم پول هم چاپ نکنیم، پس باید چه کنیم؟ ۳۰ سال است که برای حل مشکلات اقتصادی از مردم مایه گذاشته‌ایم، اما به بعد کدامی که حل حکومت خرج کنیم. برای مثال کشورهایی از منطقه خدیمان که خیلی هم ثروتمند هستند و حالا قهریم آشتی کنیم، در این صورت می‌توانیم از آن‌ها وام بگیریم.